

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۷ مارچ ۲۰۲۲

با متهم ساختن افغانها، پاکستان چه می خواهد؟

یکشنبه- ۱۵ حوت ۱۴۰۰ - کابل: علی رغم این که دولت پاکستان و استخبارات نظامی آن کشور خوب می دانند که انفجار انتحاری روز جمعه در مسجد شیعیان واقع قصه خوانی پشاور به نحوی مجازاتی بود که بادرانش آنها را به علت خودسری ها و دو روئی های اخیر حاکمیت آن کشور نموده است، باز هم شاهد بودیم و هستیم که امروز مقامات امنیتی پاکستان، مسؤولیت آن را به دوش یک افغان مهاجر که گویا فامیلش از ۱۱ سال بدین سو در پاکستان زندگانی می نماید، انداخت. در یادداشت امروز خواهم کوشید تا مختصراً در همین مورد مکث نمایم:

۱- نوعیت و قدرت انفجار نشان می دهد که عامل و مجری هر کسی من جمله اگر کدام افغان هم بوده باشد، یقیناً سازمانده و دستور دهنده آن یا "CIA" بوده است و یا هم "MI6" و یا "موساد". علت چنین حکمی تیرگی روابطی است که اخیراً در روابط پاکستان با امریکا، انگلیس و بقیه کشور های غربی به وجود آمده است.

این تیرگی روابط که از برخورد فرصت طلبانه دولت مداران پاکستان در قبال افغانستان و طالب با پیروی از طرح های بدیل چین، روسیه و ایران آغاز یافته و می خواهد با آوردن جهادی ها در کنار طالب، عملاً طرح غرب را که تصمیم دارند طالب را با جواسیس تکنوکرات عقد نمایند خنثی کند؛ با رفتن عمران خان به مسکو و دیدار های صمیمانه اش با "پوتین" و از آنهم دشمنانه تر، امتناع از دادن رأی مثبت در مجمع عمومی ملل متحد علیه روسیه ادامه یافت، به همان سان که دولت انگلیس حاضر نشد به مشاور امنیت ملی پاکستان اجازه ورود به پاکستان دهد، مسلماً از جانب کاخ سفید نیز بدون مجازات باقی نمی ماند، که نماند و به احتمال قریب به یقین انفجار مسجد مجازات آنها بود.

۲- این که دولت پاکستان خیلی با عجله عامل انفجار انتحاری را یک افغان مهاجر اعلام داشت، عمدتاً روی چند دلیل می باشد:

*- دولت پاکستان با انداختن بار مسؤولیت چنین جنایتی بر دوش افغانهای مهاجر می کوشد، تا از درگیری قومی و مذهبی بین خود پاکستانیها ممانعت نماید؛

*- دولت ایران را به مثابه "پشتیبان" شیعه ها که یکی از شرکای مهمش در منطقه می باشد، به آدرس افغانها بفرستد؛

*- از همه مهمتر برنامه هائی را به ارتباط اخراج پناهندگان افغان از کشورش داشت، بدین بهانه تسریع و تعمیم بخشیده، مسؤولیت سیاست های ضد انسانی اش را بر دوش مهاجران بیفکند؛

*- تا جایی که برایش ممکن است، طالب را که بدون آنهم در حل مشکلات روزمره مردم در داخل افغانستان در مانده است، با تهدید به اخراج و یا هم اخراج افغانها از پاکستان به مشکلات بیشتری مواجه ساخته، آنها را وادار سازد تا در مقابل اراده زمامداران پاکستان تمکین مطلق را بپوشه گیرند.

۳- با شناختی که از حاکمیت های پاکستان و ایران وجود دارد، این را می دانیم که با هر حرکتی و هر اتهامی، چماق سرکوب آنها بر فرق پناهندگان بیدفاع افغان فرود آمده، با بگیر و ببند و با فشار های غیر قابل وصفی، میلیون ها افغان پناهجو در پاکستان را از تمام حقوق انسانی و مالکیتی که طی ۴ دهه اخیر با عرق جبین به دست آورده اند محروم نموده، با آدم ربائی ها و به زندان افگندنها، نه تنها ده ها هزار خانواده را به ماتم می نشانند، بلکه با کوچ اجباری و راندن آنها از محل زیست شان، عملاً ماحصل ۴ دهه زحمات آنها را که خانه و کاشانه ای برای خود ساخته اند، غصب نیز می نمایند.

هموطنان گرامی!

دولتهای ایران و پاکستان به مانند شرکای غربی شان وقتی ۴ دهه قبل توده های میلیونی کشور تصمیم به مبارزه علیه شوروی اشغالگر گرفتند، اینها به منظور نفوذ در بین مردم جهت ساختن احزاب دست پرورده خودشان و سوءاستفاده های مالی، فرار طلبی را زیر نام هجرت تشویق و ترغیب نمودند، اینک که به گفته مردم "خرشان از پل گذشته است" به تنها چیزی که نمی اندیشند بقای آن پل و چگونگی عبور مسافران بعدی از بالای آن است. از همین رو با شدت و حدت هرچه بیشتر از طریق وارد ساختن چنین اتهاماتی می خواهند مردم ما را در زیر فشار چندلایه قرار داده وادار به بازگشت به افغانستان نمایند.

هموطنان گرامی!

آنچه مسلم است افغانها هیچ کدام علاقه ای به ایجاد "داعش" نداشته اند و علاوه از آن، "داعش" را دشمن موجودیت کشوری به نام افغانستان نیز می دانند، از همین رو لکه ننگ اعمال "داعش" بر دامن ما افغانها نمی چسبند. بناءً در کنار آن که جنایت اتفاق افتاده را می باید محکوم کرد، عملکرد زمامداران پاکستان را علیه پناهجویان افغان نیز می باید محکوم نمود.

هموطنان گرامی!

تمام این مصایب به علتی بر ما وارد می شود که کشور ما را نوکران متمدن پنجابی ها یعنی طالب اشغال نموده است، هرگاه بتوانیم کشور را آزاد و دوباره مال خود بسازیم، مطمئناً چنین مصیبت هائی نیز خاتمه خواهد یافت.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!